

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۵۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۰۴۵ • ۲۶ شوال ۱۴۴۷ • ۱۵ آوریل ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۶۰ • صفحه اذان ظهرتهران ۱۲۰۴ • اذان مغرب ۱۸:۵۶ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۳۱



سینما شکوفه در میدان شهدای تهران یکی از قدیمی‌ترین سینماهای پایتخت است که اوایل دهه ۴۰ در مساحتی به وسعت دو هزار مترمربع و با هزار و ۱۰۰ صندلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سینماهای کشور ساخته شد. این سینما پس از آنکه در بامداد سومین روز جنگ (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) آمریکا و اسرائیل علیه ایران آسیب دید، دچار تخریب‌هایی جدی و اساسی شده که آن را به تعطیلی کشانده است و بیش از ۲۰ میلیارد تومان برای بازسازی آن برآورد اولیه شده است. عکس: علیرضا معصومی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
aparat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

بخش خصوصی؛ موتور توسعه یا قربانی بحران‌های اقتصادی



ابراهیم یوبی

وکیل دادگستری

دلیل تعطیلات طولانی نوروز و حمله آمریکا و اسرائیل، بخش‌نامه اجرانشدن حکم جلب یا تخلیه به دلیل آماده‌باش کالنتری‌ها، در مرخصی بودن قضات دادگستری، برگزارنشدن جلسات رسیدگی، لغو وقتهای اجرای احکام که با دشواری گرفته شده، میسرنبودن ارسال مدارک با پیام‌رسان‌ها به دلیل قطعی اینترنت بین‌الملل و فقدان زیرساخت پیام‌رسان‌های داخلی و کوهی از مشکلات دیگر، بی‌گمان دستگاه قضائی جزء نهادهای خدمات‌رسان در شرایط اضطراری است و وضعیت نیمه‌تعطیل به هر دلیل، حتی جنگ پذیرفتنی نیست.

خواننده هر یادداشت انتظار دارد نظر نویسنده را بخواند، اما گاهی در نقل‌قولی همه ناگفته‌ها وجود دارد. دکتر حسن جعفری‌تبار (عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) در مقاله‌ای با نام «خیمه بر خراب؛ در باب حقوق گسترش، سازمان‌های توسعه و خصوصی‌سازی» که در فصل‌نامه «تحقیق و توسعه در حقوق عمومی» منتشر شده است، رویکرد کلان خصوصی‌سازی را به شکل خلاصه این‌گونه نقد می‌کند: اگر در سال ۱۳۴۶ با تصویب «قانون تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران» قرارگرفت دولت در کنار بخش خصوصی و تقویت توان آن بود، ۳۰ سال بعد

نشانه‌خوانی

اینترنت را باز کنید



پویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

صاحبان اینترنت سفید وطن‌دوست و خواهان جلوگیری از ویرانی و فشار هستیم. اما گویا آن افراد وطن‌پرست‌تر از ما هستند! نگرانی این است که نکند این اشخاص مدام دارند بر طبل جنگ می‌کوبند و هر فرصت و مهلت برای صلح را قربانی مطامع خود می‌کنند. نباید چنین باشد که فقط و فقط صدای استمرار جنگ و ویرانی از جانب آنان بلند شود. ما هسته‌ها در مقابل بزرگ‌ترین و قوی‌ترین ارتش دنیا مقاومت کردیم و ضربه‌های سختی به او و اسرائیل وارد کردیم. این دستاورد کمی نیست که حتی ارتش سرخ نیز جرئت و یارای انجام آن را نداشت.

با این حال بخشی از مبارزه در رسانه و در اذهان مردمان کشورهای درگیر جنگ جریان دارد. اتفاقا بازشدن اینترنت یکی از مهم‌ترین ابزارهای حاکمیتی برای عادی‌ترشدن جریان زندگی مردم است. ما به نیروهای امنیتی خود اعتماد داریم و می‌دانیم که آنها می‌توانند هرگونه فعالیت مخرب را نیز در این میان شناسایی کرده و با آن مقابله کنند. اما به بهانه امنیت نباید این چند ده میلیون نفر را از اینترنت محروم کرد. بسیاری از ایرانیان می‌توانند با هماهنگی نیروهای وطن‌دوست در داخل و خارج کشور، توفان‌ها و کمپین‌های

اصل ۴۴ قانون اساسی این می‌کند: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است...». مبنای ترتیب این سه بخش، براساس اهمیتی است که نظام حقوق به آن داده. دکتر سیدمحمد هاشمی (استاد پرچسته حقوق اساسی) معتقد بود این اصل، از قانون اساسی یوگسلاوی سابق الگوبرداری شده است؛ کشوری که در پنج دهه پیش، عضو اردوگاه بلوک شرق بود و اکنون سه دهه می‌شود تجزیه و به چندین کشور تقسیم شده است.

از اواخر سال ۱۳۹۸ با همه‌گیری کرونا تشدید تحریم‌ها، بحرانی چندساله دامن‌گیر بخش خصوصی اقتصاد ایران شد. هنوز آواربرداری این بحران جهانی تمام نشده بود که جنگ ۱۲روزه (از ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴) و اکنون جنگ دوم که از ۹ اسفند سال گذشته و تا به امروز با وجود آتش‌بس شکننده در جریان است، فرصتی برای رشد یا بازیابی اقتصاد نداده است. اگرچه این مشکلات دامن‌گیر بخش‌های دولتی و عمومی که به امر تصدی‌گری مشغول هستند، هم می‌شود، اما حداقل کارکنان این دو بخش با دریافت حقوق ماهانه خود و دیگر امکاناتی که از دولت دریافت می‌کنند، کمتر دچار غم نان هستند. کافی است گشتی در خیابان بزیم تا وضعیت را بهتر درک کنیم: کاسبانی که باید اجاره‌بهای ماهانه را به صاحب ملک بپردازند و درآمد چندانی ندارند، راننده تاکسی فرودگاه بین‌المللی که دو ماه است به دلیل تعطیلی فرودگاه مسافر نداشته اما باید قسط خودروی خود را سر موعد پرداخت کند، صاحب غرفه سینما که بدون ربالی درآمد، متعهد به پرداخت به‌موقع اجاره است و...

حتی مشاغل غیرتجاری و خدماتی هم متأثر از جنگ بوده‌اند. حرفه وکالت که در کتاب‌های درسی حقوق به‌عنوان وابسته دستگاه قضائی شناخته می‌شود هم بی‌نصیب نبوده است؛ تعطیلی دادگستری به

اعلام موضع طرفین جنگ مبنی بر قبول یک دوره دوهفته‌ای برای مذاکرات، روزنه امیدی را برای بسیاری از مردم روشن کرد. این روزها هرکسی از جانب «مردم» سخن می‌گوید. آن کسانی که هر شب به خیابان‌ها می‌آیند حتما مردم هستند. در عین حال مردم دیگری هم هستند که حامی مذاکرات هستند. اساسا خود ساختار حاکمیتی کشورمان هم حامی مذاکرات بوده است. هیچ ایرانی از هر قشر و هر طبقه‌ای حاضر نیست که سرمایه‌ها و دارایی‌های جانی و مالی و فیزیکی کشورش از بین برود.

به هر حال تصمیم مقامات کشورمان این بوده که مذاکرات شکل بگیرد؛ هرچند دور اول آن نامیدکننده بود و دوباره سایه جنگ و تهدیدی بر سر کشور به پرواز درآمد. اینجا بحث بر سر هوپلمان داخلی ما نیست، چراکه همگان می‌توانند با استفاده از ارتباطات چهاربه‌چهره با آنها وارد مذاکره شوند و مواضع یکدیگر را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

اینجا موضوع بر سر اینترنت است. اندکی امید ایجاد شده بود که به واسطه این مهلت، اینترنت نیز آزاد شود و ارتباط ایرانیان با خارج از کشور برقرار شود. به راستی چه کسانی بیشتر از همین مردم کشورمان که زیر بمباران و فشارهای روانی و اقتصادی مقاومت کردند، شایستگی این را دارند که نماینده مردم ایران نزد خارجیان باشند؟ این مردم رنج‌کشیده هستند که می‌توانند هول و هراس و ویرانی و خرابی و جنایت‌های آمریکا و اسرائیل را به گوش جهانیان برسانند. متأسفانه با این حال به نظر می‌رسد با توجه به جمع جهات همچنان اینترنت بین‌الملل بسته بماند. ما مردم عادی حتی نمی‌توانیم متوجه بشویم آنها که اینترنت سفید دارند، چه چیزهایی از قول ما در شبکه‌های جهانی مخایره کرده‌اند؟ چرا ما نباید بدانیم که این‌س افراد در حال انتشار چه محتوایی هستند؟ قطع به یقین ما ایرانیان به اندازه همان

شبکه‌خوانی

کاش راحت از بمباران حرف نزنیم

منزل چند نفر از هنرمندان در روزهای جنگ خراب شد و آسیب دید، اما این فقط یک بهانه بود تا مونا فرجاد، بازیگر تئاتر، یادداشتی بنویسد و در اختیار ایسنا قرار. او نوشت: «به مارال نگفته بودیم خونه‌ش خراب شده؛ هم نمی‌خواستیم اون بدونه، هم نمی‌خواستیم خبری بشه... خرابی به خونه در برابر این‌همه خون، اصلن قابل عرض نیست... خیلی چیزها هست که آدم از خانواده مخصوص اگه دور باشه- مخفی می‌کنه، مثل مرضی مادرم که بهش نگفتیم، مثل همین خرابی خونه که بهش نگفتم... ولی وقتی پرده‌ها می‌افته و به چیزهایی عیان می‌شه خوبه که خیلی چیزها گفته بشه... حالا روی صحبت من با خواهر و برادرهایی که این‌ور یا اون‌ور آب -به عمد یا ندانسته- از بعضی چیزها بی‌خبرن. نه اشتباه نکنید نمی‌خوام از خرابی زیرساخت‌ها بگم و مسائل حیاتی یا همه اونجوه که خبرگزاری‌ها صبح تا شب دارن اعلام می‌کنن. من اتفاق می‌خوام از چیزهایی به‌ظاهر بی‌اهمیت و کوچیک بگم که پس از گذر از این خان -در هر شکلیش- به‌شدت گریبان جامعه رو خواهد گرفت: از همکار خدوم می‌گم آقا رضا ندارکات سینما که دو ماهه بیکاره و الا ان می‌دونه تا شش ماه دیگه هم بیکاره... از گربه‌ها و پرندehای شهران که بعد از انفجار اینار نفت همه از اون آب آلوده نوشیدن، از شرکت‌های داروسازی‌ای که دفاترشون تعطیل شده و نمایندگی‌هاشون در کشورهای اطراف معلق مونده و با همه تخصص‌شون فعلم بیکار خواهند موند و این بیکاری یعنی کمبود یک‌سری داروهای اساسی که وارداتی هستند. از هزار کسب‌وکار کوچیک که با هزار قرض و قوله اول با وسط اسمال راه افتاده بودن، به امید شکوفایی که اون شد سر زمستونش و اینم دشت عیدشون، که ورشکستگیه... از اغذیه‌فروشی سینما که خداتومن اون دکه رو اجاره کرده و حالا مونده حیرسون، پی به لقمه نون... از کارگرهای قراردادی فولاد مبارکه و پتروشیمی ماهشهر که عیدی شب عیدشون شد هزینه دوا درمون و دیگه محل کاری ندارن که کاری داشته باشن و دستمزدی... از بچه‌های کوچیک و پرندehای جنوب که دود مواد پتروشیمی نفسی براشون نذاشته و خدا می‌دونه بعدن چه تبعاتی برای سلامتی‌شون داشته باشه... از بچه‌های تئاتر آزاد که با نمایش‌های کم‌دی‌شون کلی خانواده‌ها رو می‌خندوند و حالا بیشتر از سه ماهه هم کاسی روزشون تعطیله، هم تئاترهای شب‌شون... اینا و خیلی‌های دیگه نه حکومتان، نه جیره‌خور، نه چای دیش خورده‌ن، نه به قرون از میلیارد میلیارد‌های اخلاص که خود دولت اعلام کرده تو جیب اونا رفته... اونها آدم‌های همین کشورن و همین خاک و اگر بیشتر از شما سهم نداشته باش، قطعن اندازه شما حق نظر دارن. پس کاش هر وقت خواستین نسخه بیچیین و برای آینده برنامه بریزین، اول بباین کنار ما -من، آقا رضا، گربه‌ها، کارگرها، پرندehا و...- شاید اون وقت به همین راحتی از بمباران حرف نزنین».

جنگ‌خوانی

تهران زیر جنگ

در ۴۰ روز جنگ چه اتفاقی برای تهران رخ داد؟ جنگ به بسیاری از کارخانه‌های پایه‌وزیرساخت‌های ایران آسیب زد. آن‌طور که فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت به ریانووستی گفته و فارس گزارش داده است: «یکی از موضوعاتی که تیم مذاکره‌کننده ما در حال پیگیری است و در گفت‌وگوهای اسلام‌آباد نیز دنبال شد، موضوع غرامت‌های جنگی است. آسیب‌ها معمولا در چند لایه باید بررسی شوند، خسارات ایران از حملات آمریکا و اسرائیل فعلا حدود ۲۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است». این جنگ خسارت محیط‌زیستی فراوانی به جا گذاشت؛ حجم مواد نفتی دچار حریق در سه مجموعه از مخازن نفت تهران در شهران، شهرداری و کوهک مجموعا بیش از ۳۶۰ هزار مترمکعب بوده است که در مجموع حجم معادل دی‌اکسید کربن منتشرشده ناشی از این حریق نزدیک به یک میلیون تن برآورد می‌شود. بررسی‌های کارشناسان نشان می‌دهد که در این تهاجم وحشیانه نزدیک به چهار هزار تن ترکیبات آروماتیک با ترکیبات آلی‌فرا که باعث تهدید جدی سلامت محیط زیست می‌شود، انتشار پیدا کرده است. علاوه بر این حملات رژیم صهیونیستی به مخازن سوخت فردیس البرز نیز بالغ بر ۵۳ هزار تن دی‌اکسید کربن وارد جو کرده و منجر به انتشار حدود ۲۲۰ ترکیبات آروماتیک شده است. بیش از ۴۰ هزار واحد مسکونی مردم در سطح استان تهران، به‌ویژه در شهر تهران، دچار آسیب و خسارت شد و صدها نفر از شهروندان غیرنظامی، ازجمله زنان، کودکان و دانش‌آموزان به شهادت رسیدند.

یادداشت

عاقبت ما می‌مانیم

وشما



سیدجمال‌هادیان طباطبایی‌زواره

کارشناس رسانه

شاید این سؤال به ذهن شما هم متبادر شده باشد که چرا کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس و حتی عربستان و اردن میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکایی هستند؟

در پاسخ به این پرسش باید به فلسفه وجودی این کشورها و تلاش‌شان برای بقا در جهان امروز توجه کرد. کشورهای عربی خاورمیانه به‌طور عام و کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس به‌صورت خاص دارای چند ویژگی مشترک هستند:

نخست آنکه اغلب‌شان وسعت بسیار کمی دارند و به اصطلاح کشورهای پشت‌ناختی نامیده می‌شوند که همواره نگران حفظ مرزها و خاک خویش بوده‌اند. دوم آنکه جمعیت اغلب این کشورها ناچیز است و معمولا از ارتشی که بتواند در برابر قدرت‌های بزرگ نظامی منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای مقاومت کند، بهره‌مند نیستند؛ هرچند برخی ابزارهای نظامی مدرن را در اختیار دارند. مضاف بر اینکه به دلیل قدمت ناچیز و تغییر سبک و طبع زندگی در دهه‌های اخیر، به هیچ عنوان روحیه آزادیگی، حماسه‌آفرینی و ملی‌گرایی را مشابه آنچه مابین ایرانیان شاهدیم، ندارند. سوم آنکه در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که از منظر ژئوپلیتیک بسیار مهم بوده و چهارراه انرژی جهان محسوب می‌شود؛ جایی که همواره محل تنش و برخوردهای سیاسی‌نظامی بوده است. به همه اینها باید اختلالات سیاسی و ادعاهای ارضی همسایگان‌شان را نیز افزود. این موضوع به‌ویژه بعد از حمله عراق به کویت و اشغال این کشور کوچک بیشتر بروز یافت و زمینه را برای آنکه کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس از بیم همسایگان صاحب قدمت و قدرت خوش، میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا شوند، فراهم کرد.

همه این دلایل سبب شده که این کشورها در راهبردی مشترک برای حفظ مرزها و منافع کشورهای کوچک خود، میزبان پایگاه‌های یکی از قدرت‌های جهانی شوند و بخشی از منافع اقتصادی حاصل از نفت و گاز را با شرکت‌های چندملیتی آمریکایی تقسیم کنند. این همکاری به نوعی هم‌زیستی انگلی غیرمنصفانه شباهت دارد؛ جایی که میزبان از قبال سودی اندک، امتیازات ویژه‌ای به انگل بزرگ‌جشنه (آمریکا) می‌دهد و در قبال توافق حفاظتی، هم مخارج احداث و اداره پایگاه‌های آمریکایی را پذیرفته و هم میزبان شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در حوزه اقتصادی شده است. در حقیقت میزبان از سر ناچاری تن به چنین قرارداد غیرمنصفانه‌ای داده است. با این همه، جنگ حاضر نشان داد که این‌س راهبرد عاجزانه نعتننها دیگر جوابگوی نیاز شیوخ حاشیه خلیج فارس نیست، بلکه پاشنه آشیل مهمی برای امنیت و اعتبار ملی آنهاست و البته با وجود ثروت و امکانات بسیار، درماندگی آنها در برابر جهانیان بیش از پیش آشکار کرد، موضوعی که مایه شرمساری حاکمان، امیران و پادشاهان این کشورها شد و برایشان گران درآمد. البته این نکته بر کسی پوشیده نیست که اغلب امیران و حاکمان این کشورها با حمله آمریکا و اسرائیل به ایران ممدل نیستند اما اینک با وضعیت اسفبار آره روبرو شده‌اند، از یک سو جرئت و جسارت ایستادی در برابر انگل قدرتمند خویش را ندارند و از سوی دیگر در برابر موشک‌ها و پهپادهای ایرانی بی‌پناه هستند و راهبرد داشتن حامی نظامی را شکست‌خورده می‌بینند. لاجرم از این پس باید در این راهبرد ناکارآمد تجدیدنظر کنند. نکته مهم آن است که بدون فوت وقت به شکست این راهبرد اعتراف و به تدریج آن را لق تا بعدها سر فرصت لغوش کنند؛ چراکه دیر یا زود آمریکایی‌ها دهم‌شان را روی کول‌شان می‌گذارند و می‌روند و آن زمان ایران می‌ماند و همسایگان کوچک و شرمسار حاشیه جنوبی خلیج فارس، آن زمان ایران باید با شفت و گذشت با آنان رفتار کند یا با شقاوت و عداوت؟! شاید اگر شیوخ عرب با درایت، دوراندیشی و آینه‌بینی، خسارات ناشی از میزبانی پایگاه‌های دشمن به ایران را با تعهد پرداخت حداقل نیمی از خسارات این جنگ به ایران جبران کنند، خشم و کینه ایران را اندکی التیام بخشد و زمینه‌های شکل‌گیری مجدد حسن هم‌جواری را هموار کند.